

بدحجابی در قانون، فقه و رویه‌های عملی

شادی صدر

زنان، ش ۱۰۷

چکیده: پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، به استناد فتاوی‌های فقهایی که ظاهر ساختن زینت زنان را مجاز نمی‌دانند و تصویب قوانین اجرایی مقابله با بدحجابی، مسئله جلوگیری از «بی‌حجابی» به مسئله ممانعت از «بدحجابی» تبدیل شده است و این مسئله در اجرا با مشکلات فراوان و اعمال سلیقه‌های گسترده‌ای روبه‌رو بوده است. لازم است امروزه بر اساس فتاوی‌های سهل و آسان، در احکام مربوط به حجاب زنان تجدیدنظر صورت گیرد.

با گذشت سال‌ها، نظامی رسمی برای نظارت بر نحوه لباس پوشیدن زنان به وجود آمده است که شامل قوانین، مقررات و رویه‌ها از یک سو، و نهادها و اشخاصی که پاسداری از این قوانین را بر عهده دارند از سوی دیگر می‌شود. این نظام، مانند هر سازوکار حکومتی دیگر، بودجه، پرسنل و امکانات خود را دارد و به رغم تغییرات فراوانی که در رویه‌های آن به وجود می‌آید، همچنان تشکیلات و نیروهای وسیع خود را حفظ کرده است. این تشکیلات نه تنها در نیروی انتظامی (پلیس) و قوه قضاییه وجود دارد - که بیشتر کار نظارت بر پوشش زنان را در خیابان‌ها، پارک‌ها و سایر مکان‌های عمومی بر عهده دارند و گاهی نیز وارد حریم‌های خصوصی مثل میهمانی‌ها و... می‌شوند - بلکه در تمامی مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و مکان‌های دولتی، با نام‌های مختلف و به شکل‌های متفاوت عمل می‌کند.

گستره قوانین: از چادر تا کفش چراغدار

پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی در بهمن ۵۷، دامنه قوانین مربوط به پوشش زنان، به تدریج از رعایت حجاب اسلامی به ممنوعیت بدحجابی و پس از آن رعایت شئونات اسلامی گسترده شد. در حالی که، در سال‌های اول انقلاب، رعایت پوشش ظاهری و مختصر، حجاب اسلامی تلقی می‌شد، به سرعت تغییراتی در سیاست‌های اولیه به سمت محدود کردن شکل، رنگ و نوع پوشش زنان به وجود آمد. در این مرحله بود که مبارزه بابتی حجابی به مبارزه با بدحجابی تبدیل شد.

در حال حاضر، مهم‌ترین متن قانونی در این زمینه، تبصره ماده ششصدوسی و هشت قانون مجازات اسلامی است که می‌گوید: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». بر اساس این ماده، رعایت نکردن حجاب اسلامی تنها در معابر و انظار عمومی جرم است. در عمل، مقرراتی نوشته یا نانوشته، اما غیر قابل دسترس برای عموم وجود دارد که دقیقاً روشن می‌کند برای هر یک از مصادیق رعایت نشدن حجاب شرعی، از قبیل بیرون بودن مو یا استفاده از مواد مختلف آرایشی (به تفکیک نوع ماده)، جریمه‌های مشخص و جداگانه‌ای تعلق می‌گیرد. در کنار این ماده، قانون رسیدگی به تخلفات استفاده‌کنندگان البسه خلاف شرع نیز وجود دارد. بر اساس ماده سه این قانون، «کسانی که وضع لباس و آرایش آنها در انظار عمومی، خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالحه محاکمه و بر حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده دو محکوم می‌گردند». غیر از این قانون و آیین‌نامه و دستورالعمل‌های صادر شده که شامل همه زنان در هر موقعیتی که باشند می‌شود، تعداد بی‌پایانی دستورالعمل و بخشنامه وجود دارد که برای زنان در موقعیت‌ها یا مشاغل مختلف صادر شده‌اند و محدوده قانونی حجاب را گاهی تا حد پوشیدن اجباری چادر و ممنوعیت استفاده از زینت‌آلاتی مانند هدبند و سعت می‌دهد.

بازتاب اندیشه ۴۸

۱۴

بدحجابی در
قانون، فقه و
رویه‌های
عملی

پس زمینه فقهی: سرمه، خضاب و گلگونه

بیشتر فقها واجب بودن رعایت حجاب، یعنی پوشاندن تمامی بدن به جز گردی صورت و دست و دو پا از مچ به پایین را برای زنان، نه تنها از ضروریات مذهب شیعه که از ضروریات دین اسلام می‌دانند. با این همه، به تازگی صداهای دیگری نیز شنیده می‌شود: حجت‌الاسلام

احمد قابل به تازگی در پاسخ یک استفتا اعلام کرده است: «پوشش بدن را لازم می‌شمارم؛ ولی پوشش سر و گردن را مستحب شرعی می‌دانم».

تقریباً همه فقها بر این حکم اتفاق نظر دارند که استفاده از زینت‌های پنهان برای زن در حضور نامحرم، چه در انظار عمومی و چه در محیط‌های خصوصی، حرام است. با وجود این، اختلاف نظر فراوانی میان آنها بر سر اینکه «زینت پنهان» شامل چه چیزهایی می‌شود و چه چیزهایی زیور و زینت آشکار است که نشان‌دهنده حرام نیست، وجود دارد. نویسنده تفسیر کشاف می‌گوید: «زینت عبارت است از چیزهایی که زن خود را بدان‌ها می‌آراید، از قبیل طلاآلات، سرمه، خضاب و زینت‌های آشکار از قبیل انگشتر، حلقه، سرمه و خضاب مانعی نیست که آشکار بشود». با این همه، به نظر می‌رسد هر چه به دوران معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، فقها محدوده تنگ‌تری را برای زینت‌های آشکار در نظر گرفته‌اند. اغلب آنان، با وجود احادیث و اقوال یادشده که آشکار کردن زینت دست و پا و آرایش صورت را برای زنان مجاز می‌شمارند، خود صورت و دو دست و دو پا و لباس‌های ظاهری را زینت دانسته‌اند و حکم به حرام بودن آرایش صورت و استفاده از زینت‌آلات داده‌اند. آیت‌الله خمینی در پاسخ به این سؤال که اگر زن در دست خود زینت داشته باشد، نظیر حلقه از دواج یا انگشتر یا در وجه خود آرایش کرده باشد، آیا بر این زن واجب است که وجه و کفین خود را بپوشاند یا خیر، نوشته‌اند: «پوشاندن از نامحرم در فرض مذکور واجب است». ولی برخی از فقهای حاضر آشکار کردن زینت‌آلات دست و آرایش و پیرایش صورت را مجاز دانسته‌اند. آیت‌الله صانعی در جواب این سؤال که آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر طلا در دست داشتن، حنای دست، شامل زینت زنان محسوب می‌گردد که پوشش آن لازم باشد، پاسخ داده است: «صورت و دست محل زینت محسوب نمی‌گردد؛ ولی آرایش نمودن و خود را در دید مردان بیگانه قرار دادن که موجب فساد در جامعه گردد حرام است».

مفهوم مهم دیگری که در متون فقهی درباره لباس پوشیدن زنان وجود دارد، جایز نبودن استفاده از «لباس شهرت» یا «لباس شهره» است. لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، به دلیل نوع رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر، مناسب نیست. تعیین معیارها و قوانین واحد و فراشمول برای چگونگی لباس پوشیدن زنان و تعیین مصادیق لباس شهرت از جانب حکومت اسلامی، تقریباً غیرممکن است؛ زیرا شرع که حکومت اسلامی، بر حسب اصول، خود را به آن وفادار می‌داند، صراحتاً تعیین مصادیق

لباس شهرت را به عهده عرف گذاشته است که از شهری به شهر دیگر و حتی از محله‌ای به محله دیگر متفاوت است.

در اغلب موارد، زنان برخوردارهای خشن، توهین‌آمیز و همراه با تحقیری را به یاد می‌آورند که افراد درون تشکیلات رسمی نظارت، بر نحوه پوشش و آرایش زنان با آنها داشته‌اند. دامنه اجرای قوانین گاهی به اماکن خصوصی هم کشیده می‌شود و کارکنان این اماکن که اغلب مرد هستند، موظف به نظارت بر نحوه لباس پوشیدن زنان می‌شوند. کلاس‌های زبان یا کنکور خصوصی و... نیز از مکان‌هایی است که کارکنانش طبق دستور اداره اماکن موظف‌اند دانشجویان خود را مجبور به پوشیدن مقنعه کنند.

واقعیت این است که مستندات فراوانی در منابع معتبر فقهی وجود دارد که بیشتر مصادیق آنچه امروز با عنوان «بدحجابی» ممنوع شناخته می‌شود، مباح و جایز دانسته است. از سوی دیگر، با وجود گسترش مصادیق ممنوعیت و محدودیت پوشش و آرایش زنان در قانون، عملاً هر روز در جامعه شاهد فراتر رفتن مرزهای حجاب از چارچوب‌های یاد شده هستیم. آیا مصلحت اجتماعی و عقل حکومت‌گری اقتضا نمی‌کند که با وجود ادله فقهی کافی، در قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به «ظاهر» زنان بازنگری شود.

● اشاره

۱. مناسب‌تر آن بود که نویسنده به آثار و پی‌آمدهای حجاب و بدحجابی و بی‌حجابی هم اشاره می‌کرد. متأسفانه در بسیاری از موارد که سخن از حجاب و بدحجابی و حدود آن به میان می‌آید، اهمیت رعایت این مسئله کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. حتماً نویسنده به خوبی واقف است که بدحجابی و عدم پوشش مناسب، چه آسیب‌هایی به سلامت و بهداشت روانی جامعه وارد می‌سازد. پی‌آمدهای بی‌حجابی و سکس و اختلاط زنان و مردان در دنیای غرب، بر کسی پوشیده نیست. از هم‌پاشیدگی خانواده، انحرافات جنسی، خودفروشی، قتل و پی‌آمدهای ناگوار دیگر، همگی محصول بدحجابی یا بی‌حجابی و در نتیجه عدم کنترل روابط جنسی است.

۲. حد و مرز حجاب از لحاظ شرعی کاملاً مشخص است. همه فقهای شیعه، به اتفاق، پوشیدن تمام بدن زن به جز وجه و کفین (صورت و دودست تا مچ) را واجب می‌دانند. تنها برخی از فقها پوشاندن دست و صورت را نیز واجب می‌دانسته‌اند و در استفاده از چادر یا مانتو برای این پوشش تمایزی نیست. مسئله مهم پوشیدگی کامل است. بنابراین، تنها چادر به سر داشتن، درحالی‌که موها و قسمت‌هایی از دست‌ها و پاها بدون پوشش باشد، کافی نیست و حجاب اسلامی تلقی نمی‌شود. چه بسا یارند خانم‌هایی که با

پوشیدن مانتو و مقنعه مناسب، تمامی حدود و چارچوب‌های شرعی را در حجاب رعایت می‌کنند و مشکلی هم ندارند. البته، ناگفته نماند که پوشیده بودن برجستگی‌های بدن و عدم نمایش حجم بدن، از شرایط مطلوب حجاب است و در واقع، حجاب را به کمال می‌رساند. از این رو، بسیاری از زنان، با پوشیدن چادر، این جنبه را مورد توجه قرار داده‌اند و تبلیغ و تأکید بر حجاب نیز بر همین مبنا استوار است. منابع دینی نیز بر این نکته تأکید دارند که علاوه بر رعایت ضوابط اصلی حجاب، اقداماتی که موجب پوشیده بودن بهتر زنان و عدم جلب توجه نامحرم گردد، مطلوب و مورد توجه است.

۳. در فقه اسلامی علاوه بر تبیین حدود پوشیده بودن زنان و رعایت حجاب، شرایطی نیز برای آن ذکر شده است که ضروری است، از جمله اینکه پوشش از حیث رنگ، شکل و یا جهات دیگر، موجب تحریک و تهییج شهوت مردان نامحرم نباشد. همچنین، آرایش‌های صورت و دست نیز در برابر نامحرم پوشیده نگاه داشته شود. بنابراین، صرف پوشیدن چادر و یا مانتو، فلسفه حکمت حجاب را تأمین نمی‌کند؛ بلکه لازم است کیفیت پوشش به گونه‌ای باشد که نامحرم را به خود جلب نکند؛ حتی رفتار زن، راه رفتن، سخن گفتن و دیگر حالت‌های او چنانچه موجب جلب توجه نامحرم شود و زمینه‌ساز فساد جنسی گردد، از نظر اسلام، مذموم و حرام است. بنابراین، مانتوها و لباس‌هایی که امروزه در میان برخی زنان رایج شده است که بدن را به خوبی نمی‌پوشاند، یا به دلیل تنگی و چسبندگی، برجستگی‌های بدن را آشکار می‌سازد و یا به دلیل کوتاه بودن آستین‌ها، دست‌های زنان را تا آرنج نمایان می‌سازد، همگی فاقد ویژگی حجاب اسلامی است.

به هر حال، سؤال اساسی از نویسنده آن است که آیا پوشیدن مانتوهای کوتاه و تنگ و روسری‌هایی که قسمت اعظم موهای سر از پشت و جلو آن نمایان است و گردن را در بیشتر موارد نمی‌پوشاند، مصداق بدحجابی نیست. کدام فقیه این‌گونه پوشش را روا می‌داند.

۴. نویسنده به دلیل عدم آشنایی با احکام شرعی و فقه اسلامی، برخی مطالب را با هم درآمیخته و دچار اشتباه شده است. به نظر ایشان بیشتر فقها رعایت حجاب (پوشاندن تمام بدن به جز وجه و کفین) را از ضروریات اسلام شمرده‌اند؛ اما برخی از آنان یا فراتر نهاده، رنگ و نوع پوشش را هم مورد توجه قرار داده و گفته‌اند: «اگر پوشش، بدن نما باشد، پوشیدن آن جایز نیست». اما برخی به تازگی گفته‌اند: «پوشش سر و گردن واجب نیست و مستحب است». اولاً، مسئله بدن‌نما بودن پوشش و یا رنگ‌های جلب‌کننده نامحرم، مورد اختلاف نیست و همه بر لزوم اجتناب از پوشیدن چنین لباس‌هایی متفق‌اند. همچنین، جای تعجب است که نویسنده در عدم لزوم پوشش سر و گردن، به نظرات کسانی استناد می‌کند که سخنان آنان بر پایه علمی و اجتهادی استوار نیست.

درباره اختلاف نظر در خصوص مفهوم آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (النور: ۳۴) باید گفت هرچند برخی مفسران و فقها معتقدند که زینت‌های ظاهری واجب نیست پوشیده

بمانند، اما این اختلاف نظرها نمی‌تواند مبنای عمل مردم قرار گیرد. اینها بحث‌های علمی است و باید هر یک از مردم به مرجع خویش مراجعه نماید و بر طبق فتوای وی رفتار نماید. به علاوه، باید توجه داشت که همان کسانی هم که زینت‌های آشکار دست و صورت را واجب نمی‌دانند، در مواردی که قصد ریبه و نگاه شهوت‌آلود وجود دارد، پوشش را واجب می‌دانند. سؤال این جاست که دختران و زنانی که با آرایش‌های کاملاً زننده به قصد نمایش زینت‌های خویش در معابر عمومی و یا مجالس خصوصی ظاهر می‌شوند، مشمول این مسئله نیستند. نویسنده ظاهراً از فتوای آیت‌الله صانعی نیز برداشت اشتباه کرده است؛ چرا که ایشان هم آرایش کردن و خود را در معرض دید مردان بیگانه قرار دادن را حرام دانسته‌اند.

۵. مسئله لباس شهرت که نویسنده آن‌را با مسئله پوشش و حجاب زنان خلط کرده است، اختصاص به زنان ندارد. حرمت لباس شهرت برای زنان و مردان یکسان است و ملاک حرمت آن، پوشش بدن از نامحرم نیست. ممکن است زنی لباسی بپوشد که بدن او را کاملاً بپوشاند و از جهت رعایت حدود شرعی، کافی باشد؛ اما به دلیل انگشت‌نما شدن زن، لباس شهرت محسوب گردد.

۶. شیوه‌های برخورد با بدحجابی، هرچند دچار برداشت‌های سلیقه‌ای است و گاه دچار افراط‌هایی بوده است، اما از این نکته نباید غفلت کرد که اساساً حفظ حیای عمومی جامعه و جلوگیری از زمینه‌های فساد و تحریک جنسی، از مهم‌ترین نیازهای یک جامعه است که بیش از هر چیز به بسترسازی فرهنگی و برخورد قانونی صحیح نیاز دارد. چگونه است که برخورد با آلودگی‌های زیست‌محیطی، آلودگی‌های صوتی، آلودگی مواد غذایی و دیگر موارد مشابه که سلامت جسمی جامعه را به خطر می‌اندازد، موجه و قانونی است، اما آلودگی‌های روحی و اخلاقی و بدحجابی و مفسده‌انگیزی روابط زن و مرد، همواره در زیر تیغ انتقاد مخالفان قرار گرفته است. نویسندگان و نشریاتی که داعیه‌دار حقوق زنان هستند، چه تلاشی برای پاک‌ی و طهارت جامعه از نگاه‌های هوس‌انگیز که هزاران مفسده دیگر همچون روابط نامشروع، قتل، طلاق و... را به دنبال دارد انجام داده‌اند.

۷. در برخورد با پدیده بدحجابی باید به چند نکته مهم توجه داشت:

اول اینکه میان کسانی که به عمد، بدحجابی را پیشه خود ساخته‌اند و به قصد خودنمایی و خودآرایی در اجتماع ظاهر می‌شوند و کسانی که به دلیل بی‌توجهی و ناآگاهی، از حجاب مناسبی برخوردار نیستند، باید تفاوت قائل شد. برخورد مجریان قانون و مردم نیز با این دو گروه باید متفاوت باشد.

دوم، برای کاهش بدحجابی و گسترش حجاب و عفاف، مهم‌ترین عامل، بستر عمومی جامعه و ایجاد رغبت عمومی به حجاب و زشت نمودن پدیده بدحجابی توسط عوامل و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز است. نقش رسانه‌ها به ویژه رادیو و تلویزیون در این زمینه بسیار اساسی است.

سوم، اگر حساسیت عمومی جامعه نسبت به پدیده بدحجابی به میزان کافی باشد، برخورد عملی مردم و انزجار آنان بهترین عامل کنترل بدحجابی خواهد بود و نیاز به عوامل قانونی و اجرایی به حداقل خواهد رسید. باکمال تأسف در سال‌های اخیر شاهدیم که حساسیت مردم در این خصوص بسیار کاهش یافته است و مردم در مواجهه با پدیده بدحجابی، عکس‌العمل خاصی از خود نشان نمی‌دهند و این مسئله، بزرگ‌ترین مانع را از سر راه گسترش بدحجابی برداشته است.

چهارم، با وجود آنکه بدحجابی در جامعه امروز، تقریباً با مشکلی مواجه نیست، حرکت آرام و بی‌سر و صدایی در راستای بی‌حجابی و آزادی پوشش در حال شکل‌گیری است. پوشش‌های برخی زنان که فرقی با ناپوشیدگی ندارد، استفاده از روسری‌هایی که با نداشتن روسری تفاوتی ندارد، همگی نشان از بی‌حجابی قریب‌الوقوع دارد که جا دارد متولیان فرهنگی و اجتماعی جامعه، تدبیری اساسی و عاجل بیاندیشند.

۸. نویسنده با ذکر این مطلب که می‌توان با برخی مستندات فقهی موجود، بسیاری از مصادیق بدحجابی را مباح و جایز دانست، به این مطلب اشاره می‌کند که مصلحت اجتماعی و عقل حکومت‌گری اقتضا می‌کند که در قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به «ظاهر» زنان بازنگری شود. جای پرسشی اساسی است که مراد از بازنگری چیست. آیا فقها به خاطر فشارها و تقاضاهای افراد بدحجاب، فتوا دهند که پوشش‌های سر و گردن زنان لازم نیست؛ چنان‌که فتوایی نیز به عنوان مؤید، برای این موضوع ذکر کرده است. آیا طرح مسئله تجدیدنظر در احکام «ظاهر» زنان، به بیان دیگر، انکار و کنار گذاشتن حجاب نیست. پی‌آمد این امر چه خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی